

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پروفیسور میشل شوسودوسکی - Prof Michel Chossudovsky

برگردان از: حمید محوی

۲۵ سپتمبر ۲۰۱۴

«در پیگرد دولت اسلامی»:

حدس بزنید چه کسی پشت خلیفه ایستاده است ؟



دولت اسلامی (یا امارات اسلامی) را به عنوان دشمن ایالات متحده و جهان غرب ترسیم می کنند. به پشتیبانی بریتانیا، متحد خدشه ناپذیر ایالات متحده، رئیس جمهور امریکا بارک اوباما فرمان یک سری بمباران توسط نیروی هوایی ایالات متحده روی عراق را صادر کرد که ظاهراً هدفش تخریب مواضع ارتش شورشیان دولت اسلامی تعیین شده بود. در تایمز لندن، ۴ سپتمبر ۲۰۱۴ به نقل از بارک اوباما و داوید کامرون نوشته است: «ما از رویارویی علیه دولت اسلامی چشم پوشی نمی کنیم [...] اگر تروریست ها فکر می کنند که ما در مقابل تهدیدهایشان اظهار ضعف می کنیم، هیچگاه به این اندازه در اشتباه نبوده اند.»

ولی چه کسی پشت طرح دولت اسلامی است ؟

طنز تلخی می گوید که شورشیان دولت اسلامی، که پیش از این پرچم «دولت اسلامی در عراق و شامات» را به دست داشتند تا همین اخیراً به عنوان «مبارزان آزادی در جبهه اپوزیسیون» در سوریه معرفی می شدند که برای دموکراسی و برای واژگون ساختن دولت لائیک بشار اسد مبارزه می کردند. ولی پرسش این است که چه کسی پشت شورش جهاد طلبان در سوریه ایستاده است ؟

آنهايي که فرمان بمباران آنها را صادر کرده اند پشت طرح خلیفه ایستاده اند. مبارزان دولت اسلامی که در حال حاضر ظاهراً به عنوان هدف اردوی بمباران ایالات متحده و ناتو با مجوز «مبارزه علیه تروریسم» انتخاب شده اند، همواره به شکل پنهانی از سوی ایالات متحده و هم پیمانان این کشور مورد پشتیبانی بوده و هستند.

به عبارت دیگر، دولت اسلامی توسط سرویس های استخباراتی ایالات متحده، با پشتیبانی ام. آی. ۶ سرویس استخباراتی بریتانیایی، موساد، سرویس استخباراتی پاکستانی و سرویس استخباراتی عربستان سعودی ایجاد شده است. از سوی دیگر، بر اساس منابع آگاهی اسرائیلی دبکا «Debka»، ناتو، در پیوند با فرماندهی عالی ترکیه، از آغاز بحران سوریه از ماه مارچ ۲۰۱۱ در استخدام مزدوران جهاد طلب فعال بوده است.

در مورد شورش سوریه، مبارزان دولت اسلامی و به همین گونه جبهه النصره، نیروهای وابسته به القاعده پیاده نظام اتحادیه نظامی غرب هستند و به شکل پنهانی از سوی ایالات متحده، ناتو و اسرائیل پشتیبانی می شوند. مأموریت آنها عبارت است از هدایت شورش علیه دولت بشار اسد. جنایاتی که مبارزان اسلامی دولت اسلامی در عراق مرتکب شده اند مشابه جنایاتی است که در سوریه مرتکب شده اند.

به دلیل تحریف رسانه ئی، افکار عمومی غرب نمی داند که از همان آغاز تروریست های دولت اسلامی از پشتیبانی ایالات متحده و هم پیمانانش برخوردار بوده اند.

قتل شهروندان بی گناه توسط تروریست های دولت اسلامی در عراق به عنوان بهانه مورد استفاده قرار می گیرد تا مداخله نظامی ایالات متحده را به عنوان مداخله بشردوستانه جلوه دهد. فرمان بمبارانی که اوپاما صادر کرده است، در واقع هدفش تخریب دولت اسلامی نیست که برگ اصلی اطلاعاتی برای ایالات متحده به حساب می آید. به عکس، هدف اصلی بمباران های ایالات متحده مردم عادی و شهروندان و جنبش مقاومت عراق است.



نقش عربستان سعودی و قطر

موضوعی که پرونده ضخیمی درباره آن وجود دارد، پشتیبانی ایالات متحده و ناتو از دولت اسلامی به شکل پنهانی با تکیه به وفادارترین متحدان ایالات متحده صورت می گیرد، یعنی قطر و عربستان سعودی. رسانه های غربی اعتراف کرده و این واقعیت را به رسمیت شناخته اند که ریاض و دوحه در تبانی با واشینگتن، دولت اسلامی را تأمین مالی کرده اند و استخدام، آموزش و تزریق اعتقادات مذهبی بین مزدوران تروریست مستقر در سوریه را به عهده داشته اند. به گزارش دیلی اکسپرس در لندن: « آنها [تروریست های دولت اسلامی] از قطر و عربستان سعودی پول و اسلحه دریافت کرده بودند. »



به گفته دکتر گونتر Dr Günter Meyer مدیر مرکز مطالعات جهان عرب در دانشگاه ماینس Mayence در المان [Deutsche Welle](http://www.DeutscheWelle.com) : « مهمترین منبع مالی دولت اسلامی (یا امارات اسلامی) تا کنون کشورهای خلیج (خلیج فارس)، عربستان سعودی، قطر، کویت و امارات متحده عربی بوده است »

این سرمایه ها به تروریست هائی که علیه نیروهای دولتی سوریه می جنگند منتقل شده است، دلی تلگراف ۱۲ جون ۲۰۱۴ نوشته است : به یاری هم پیمانی مانند عربستان سعودی و قطر، غرب از گروه های شورش مبارز پشتیبانی کرده است. این گروه ها به تشکیل امارات اسلامی و شبکه های وابسته دیگر به القاعده انجامیده است. به گفته رابرت فیسک Robert Fisk طرح خلیفه « با پول عربستان سعودی به اجراء گذاشته شده است » :

این است تازه ترین محصول هیولانی عربستان سعودی در تاریخ جهان : خلیفه اسلامی سنی در عراق و شامات، فاتح موصل و ترکیه — و رقه در سوریه — و شاید بغداد « تحقیر کننده » نهانی بوش و اوباما. از حلب در شمال سوریه تا اطراف مرز عراق با ایران، جهاد طلبان دولت اسلامی و دیگر گروهک های کشورهای مختلف که وهابیت سعودی و الیگارش کویت حقوقشان را پرداخت کرده است روی هزاران هزار کیلومتر مربع حکمفرمایی می کنند. (رابرت فیسک، دی اندیپاندنت، ۱۲ ژون ۲۰۱۴)



سال ۲۰۱۳ در چهار چوب استخدام تروریست ها، عربستان سعودی طرح مبتکرانه ای را پیشنهاد کرد و آن را به اجراء نیز گذاشت، طرح مبتکرانه این بود که محکومین به اعدام در زندان های سعودی را بر اساس قرارداد خاصی با آنها آزاد کرد. یک پیغام فاش شده می گوید که زندانیان استخدام شده به ازای آزادی شان باید به مبارزان جهاد طلب (به انضمام جبهه النصره و امارات اسلامی در عراق و شامات) بپیوندند و علیه دولت بشار اسد مبارزه کنند.

زندان سعودی

به زندانیان اعلام کردند یا بمانند و اعدام شوند و یا برای مبارزه به سوریه بروند. در چهارچوب این قرارداد با زندانیان محکوم به مرگ، زندانیان بخشیده می شدند و خانواده هایشان نیز از حقوق ماهیانه برخوردار خواهند شد و می توانند در سرزمین اهل سنت باقی بمانند. مقامات سعودی به آنها حق انتخاب داده بود : قطع سر یا جهاد ؟ در مجموع، زندانیان یمن، فلسطین، عربستان سعودی، سودان، سوریه، اردن، سومالی، افغانستان، مصر، پاکستان، عراق، کویت جهاد در سوریه را انتخاب کردند.

دگرگونی ناگهانی

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۴ هم زمان با یادمان ۱۱ سپتمبر، پادشاه عربستان سعودی و الیگارش های سطنتی کشورهای خلیج (خلیج فارس) پشتیبانی خدشه ناپذیر خودشان را از جنگ مقدس اوباما علیه دولت اسلامی اعلام کردند، یعنی سازمانی که همچنان و پیوسته توسط عربستان سعودی در چهار چوب عملیات اطلاعاتی که به دقت تدارک داده شده بود تأمین مالی می شود.



وزیر امور خارجه جان کری، سمت چپ، با جوزف وستفال سفیر ایالات متحده در عربستان سعودی، و وزیر امور خارجه سعودی، شاهزاده سعود آل فیصل در ورود به فرودگاه بین المللی شاه عبدالعزیز جده در عربستان سعودی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۴ (عکس از براندان اسمیلوسکی در آسوشیتد پرس، Brendan Smialowski)

در حالی که خودشان دولت اسلامی را تأمین مالی کرده بودند، و حتی استخدام و آموزش تروریست ها را به نام واشینگتن به عهده داشتند، عربستان سعودی و دولت های خلیج (خلیج فارس) اطمینان دادند که قویاً از اردوی نظامی اوباما برای تضعیف و سرانجام تخریب دولت اسلامی پشتیبانی خواهند کرد.

در بیانیه «کشورهای عربی متعهد می شوند برای قطع جریان مبارزان و توقف کمک های مالی خارجی به دولت اسلامی با ایالات متحده همکاری کنند». بیانیه در عین حال تأیید می کند که اعضاء طی مذاکره هائی «ستیراتژی خاصی برای تخریب امارات اسلامی در عراق و شامات تدارک دیده اند – برای عراق و سوریه».

عربستان سعودی سرانجام دریافت که گروه دولت اسلامی کشور خودش را نیز تهدید می کند، و جنبش سنی سنتی نیست. یکی از عناصر طرح اوباما علیه دولت اسلامی قطع پیوندهای ایدئولوژیک و مذهبی با اسلامی است که مبارزان دولت اسلامی از آن طرفداری می کنند. دولت امریکا امیدوار است که برای تحقق چنین امری، ریاض از نفوذ خود بین رهبران اسلامی استفاده کند (Voice of America, 11 septembre, ۲۰۱۴).

استخدام «تروریست های میانه رو»

در چهارچوب این توافق، خاندان آل سعود «میزبان یک مرکز آموزشی برای هزاران مبارز شورشی سوری خواهد بود که هم زمان علیه دولت اسلامی و رژیم رئیس جمهور بشار اسد خواهند جنگید».

ولی این پیشنهاد خطا و پوچ است. تا ۹ سپتامبر، عربستان سعودی «رسماً» از دولت اسلامی (داعش) علیه دولت بشار اسد پشتیبانی می کرد، و حالا استخدام جهاد طلبانی را به این کشور واگذار کرده اند که علیه دولت اسلامی بجنگند. با این وجود رسانه ها نتوانستند نقطه ها را با یک دیگر تلاقی دهند و دروغ بزرگ را کشف کنند.

باید دانست که موضوع در رابطه با یک طرح شیطانی است : سازندگان دولت اسلامی به جهانیان اعلام کرده اند در چهارچوب عملیات ضد تروریستی در پی نابودی تروریست های خود ساخته شان هستند.

اگر چه چنین عملیاتی زیر پرچم «جنگ جهانی علیه تروریسم» صورت بگیرد، ولی ایالات متحده قصد ندارد بریگادهای تروریست خودش را در امارات اسلامی (داعش) هدف قرار دهد، خصوصاً به این علت که نیروهای ویژه خودش و سرویس های اطلاعاتی غربی نیز در صفوف آنها به سر می برند. در واقع، تنها اردوی معتبر و مؤثری که علیه تروریسم اسلامی و دولت اسلامی مبارزه می کند، نیروهای دولت سوریه است.

بی فایده است که به تداوم کمک های مالی و پشتیبانی های ایالات متحده، ناتو، عربستان سعودی و قطر اشاره کنیم. هدف، به گونه ای که اوباما قول داده است، تخریب دولت اسلامی نیست. هدف راه اندازی روندی است که ایالات متحده

برای بی ثبات سازی و تخریب عراق و سوریه طرح ریزی کرده است. اردوی جنگ علیه دولت اسلامی به عنوان بهانه ای برای توجیه بمباران هر دو کشور به کار برده می شود و اهداف اصلی شهروندان هستند (۱). هدف نهائی بی ثبات سازی دولت- ملت عراق و تجزیه عراق به سه منطقه مستقل است. هدف ستراتیژیک عمومی ایالات متحده و ناتو عبارت است از بی ثبات سازی تمام منطقه خاورمیانه، افریقای شمالی، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی به انضمام ایران، پاکستان و هند.

(۱) **مترجم:** این موضوع را می توانید در مقاله ونسان رنوا که من آن را تحت عنوان «اسرار و رسوایی سلاح های اورانیوم ضعیف شده» منتشر کرده ام پی گیری کنید که در اینجا بخشی از آن را یاد آور می شوم «برای حفاظت از جان سربازان غیر نظامیان را می کشند. جنگ علیه جاپان و جنگ علیه المان یعنی همین، یعنی کشتار غیر نظامیان. نمی خواهیم نظامیان ما کشته شوند. سربازان برای رژه خوب هستند، در نتیجه باید زن و بچه دشمن را کشت، با سلاح های وحشتناک و جهنمی. بمب اتمی یعنی کشتار زن و بچه های دشمن. فرض کنید هیتلر برای تسخیر فرانسه اعلام می کرد که نمی خواهد سربازانش را از دست بدهد، اگر تسلیم نشوید مارسی را بمباران خواهیم کرد، و اگر باز هم پافشاری کنید لیون را بمباران خواهیم کرد... اگر هیتلر چنین کاری کرده بود الان ما درباره او چه می گفتیم؟ دائماً در مارسی و لیون علیه بربری نازی راه پیمائی می کردیم. ادوارد بلدور می گفت «جنگ کشتن زن و بچه نیست»، ولی امریکائی ها زن و بچه می کشند. اگر هیتلر دست به چنین کاری می زد، الان هر روز تظاهرات می کردند، و هیتلر هیولای مطلق معرفی می شد، ولی چون که امریکائی ها دست به چنین اعمالی می زنند، قانونی است و هیچ اشکالی ندارد. آن چه در جنگ ۱۹۴۵ کاشتند، یعنی خواستی که مبنی بر جنگ صفر کشته بود. فاجعه ای که اورانیوم ضعیف شده وجود آورد، نتیجه چنین طرحی است. وقتی یک سرباز امریکائی کشته می شود، آشفته می شوند و می گویند او برای آزادی جانش را از دست داد... و یعنی چرت و پرت های همیشگی. این تصاویری که از کودکان اورانیوم ضعیف شده می بینیم پیامد منطقی همان هیروشیما است. به همین علت است که شهادت افشای آن را پیدا نمی کنند. اگر بخواهند بگویند این کار جنایت است، مجبور خواهند بود که شروع آن را در ۱۹۴۵ افشاء کنند. ۱۹۴۴، ۱۹۴۳ در هامبورگ. به این ترتیب، یک دلیل دوم هم وجود دارد، زیرا با وجود چنین وضعیتی جنگ هرگز تمام نخواهد شد. اورانیومی که در عراق پراکنده شده، چهار میلیارد سال دوام خواهد آورد. مناطقی که دیگر قابل زیست نیست. جنگ تمام نمی شود. جنگ میلیاردها سال طول خواهد کشید. کشورهایی که از «برادر بزرگ» تبعیت نکنند، ویران خواهد شد، برای میلیاردها سال. به ارتش این کشورها حمله خواهند کرد، به زن و بچه هایشان حمله می کنند و کودکانشان به این شکل هیولائی به دنیا خواهند آمد. می خواهید مقاومت کنید؟ این آن چیزی است که منتظر شما خواهد بود. این جنگی است که تمام نخواهد شد.

این فلسفه ای که از جنگ بی پایان حرف می زند از کجا می آید؟ از جنگ دوم جهانی.»
آدرس متن:

<http://stopua.blogfa.com/post/30>

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴